

جامعہ شناسی مردم مدار

جامعہ شناسی در قرن بیست و یکم

مایکل بوراووی / آلن تورن / شارون ہیز / جودیت استیسی
پاتریشیا ہیل کالینز / ویلیام جولیوس ویلسون / لین اسمیت-لوین
آرتور استینج کوم / داگلاس مسی / فرانسیس فاکس پیون
ایمانوئل والرشتاین / اورلاندو پترسون / اندرو آیت
اولین ناکانو گلن / باربارا اہرنریش

ترجمہ ی بھرنگ صدیقی ودیگران



نشرنی

عنوان و پدیدآور: جامعه‌شناسی مردم‌مدار / جامعه‌شناسی در قرن بیست‌ویکم /
مایکل بوراووی و... [دیگران] ترجمه: بهرنگ صدیقی و
دیگران.
مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۴۳۱ ص.
شابک: 978-964-185-405-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: Public Sociology: Fifteen Eminent Sociologists
Debate Politics and the Profession in the
Twenty-First Century
شناسه افزوده: کلاسن، دن Clawson, Dan؛ صدیقی، بهرنگ، ۱۳۵۰ -
ویراستار
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ج ۲ / HM۵۱۱
رده‌بندی دیویی: ۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۳۰۴۰۱

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان



نشرنی

جامعه‌شناسی مردم‌مدار
جامعه‌شناسی در قرن بیست و یکم

مایکل بوراووی / آلن تورن / شارون هیز / جودیت استیسی / پاتریشیا هیل کالینز /
ویلیام جولیوس ویلسون / لین اسمیت-لوین / آرتور استینج کوم / داگلاس مسی /
فرانسیس فاکس پیون / ایمانوئل والرشتاین / اورلاندو پترسون / اندرو آیت /
اولین ناکانو گلن / باربارا اهرنرایش

مترجم بهرنگ صدیقی و دیگران
ویراستار سارا کلهر
چاپ اول تهران، ۱۳۹۴
تعداد ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی باختر
چاپ اکسیر
ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازهٔ مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۰ ۴۰۵ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

مقدمه

۱۱	مقدمه (رابرت زاسمن و جویا میسرا / بهرنگ صدیقی)
۱۴	جامعه‌شناسی مردم‌مدار چیست؟
۱۸	نهادینه‌کردن جامعه‌شناسی مردم‌مدار
۲۴	سیاست و حرفه‌ی جامعه‌شناسی
۳۰	تمایزهای ناروا: ذخایر مفهومی
۳۴	دانش میان‌رشته‌ای
۳۸	آینده‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار؟
۴۵	در باب جامعه‌شناسی مردم‌مدار (مایکل بوراووی / بهرنگ صدیقی)
۴۹	تر شماره‌ی یک: حرکت قیچی‌وار
۵۳	تر شماره‌ی دو: چندگونگی جامعه‌شناسی مردم‌مدار
۶۰	تر شماره‌ی سه: تقسیم کار در جامعه‌شناسی
۶۷	تر شماره‌ی چهار: پیچیدگی درونی جامعه‌شناسی
۷۲	تر شماره‌ی پنج: تعیین موقعیت جامعه‌شناس
۷۹	تر شماره‌ی شش: الگوی هنجاری و آسیب‌شناسی این الگو
۸۵	تر شماره‌ی هفت: رشته‌ی جامعه‌شناسی به مثابه میدان قدرت
۹۰	تر شماره‌ی هشت: تاریخ و سلسله‌مراتب

- ۹۴..... تز شماره‌ی نه: محلی‌شدن جامعه‌شناسی آمریکایی
- ۹۹..... تز شماره‌ی ده: تفکیک رشته‌های دانشگاهی
- ۱۰۵..... تز شماره‌ی یازده: جامعه‌شناس در حکم هوادار

نهادینه‌کردن جامعه‌شناسی مردم‌مدار

- ۱۱۹..... جامعه‌شناسی مردم‌مدار و پایان جامعه (آلن تورن / محمود مقدس)
- ۱۳۹..... پیوند ناکام؟ (شارون هیز / محمود مقدس)
- ۱۴۲..... مسائل ناشی از تعارض و سلسله‌مراتب
- ۱۴۷..... واقعیت‌بخشیدن به «تقسیم کار»، یا چرا همه‌ی ما جامعه‌شناس مردم‌مدار نیستیم؟
- ۱۵۱..... تأسیس نوعی جامعه‌شناسی مردم‌مدار فراگیرتر
- ۱۵۹..... اگر من الهی جامعه‌شناسی بودم (جویدیت استیسی / محمود مقدس)
- ۱۶۱..... به‌سوی نوعی بینش جامعه‌شناختی جهانی‌تر
- ۱۶۳..... به‌سوی نوعی جامعه‌شناسی متعهدتر و جذاب‌تر
- ۱۷۵..... پیش به‌سوی مردم (پاتریشیا هیل کالینز / شهلا شمسایی‌فر)
- ۱۷۸..... چه چیزی در یک نام نهفته است؟
- ۱۸۴..... چه چیزی در این نام نهفته است؟
- ۱۸۸..... آیا می‌توانیم همه با هم همراه شویم؟
- ۱۹۲..... چرا باید جامعه‌شناسی مردم‌مدار را به اجرا درآورد؟

سیاست و حرفه‌ی جامعه‌شناسی

- ۱۹۹..... سخنی با مردمان (ویلیام جولیوس ویلسون / نادر نصیری)
- ۲۱۱..... آیا به جامعه‌شناسی مردم‌مدار نیاز داریم؟ (لین اسمیت-لوین / افسانه قره‌داغی)
- ۲۱۴..... جامعه‌شناسی برای چه هدفی؟ جامعه‌شناسی برای چه کسی؟
- ۲۲۰..... پاسخ‌گویی، مشروعیت و انباشت
- ۲۲۵..... انسجام ساختاری رشته‌ی جامعه‌شناسی و توانایی ما برای بقا

۲۲۹	حق‌گویی به مردم و طعنه به اصحاب قدرت (آرتور استینج کوم / افسانه قره‌داغی).
۲۳۳	حقیقت درباره‌ی آینده
۲۴۰	تصادم نظریه، شواهد و سیاست‌گذاری
۲۴۳	نتیجه‌گیری
۲۴۷	قوت سیاست‌ورزی خفیف (داگلاس میس / افسانه قره‌داغی).
۲۴۸	بی‌طرفی در اصول
۲۵۳	تجربه‌ی سازمانی
۲۵۵	تجربه‌ی شخصی
۲۶۴	هر چه کم‌تر، بهتر
۲۶۹	از جامعه‌شناسی مردم‌مدار تا جامعه‌شناسی سیاسی (فرانسیس فاکس پیون / افسانه قره‌داغی).

تمایزهای ناروا (ذخایر مفهومی)

۲۸۵	جامعه‌شناس و حوزه‌ی عمومی (ایمانوئل والرشتاین / کاوه اکبری).
۲۹۵	درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار (اورلاندو پترسون / کاوه اکبری).
۲۹۷	جامعه‌شناسی‌های مردم‌مدار و سیاست‌گذار: تمایزی ناروا
۳۰۳	جامعه‌شناسی مردم‌مدار با تعهد حرفه‌ای
۳۰۷	جامعه‌شناسی مردم‌مدارِ گفت‌وگویی
۳۱۳	جامعه‌شناسی مردم‌مدار با تعهد فعالانه (یا مدنی).
۳۲۲	جمع‌بندی
۳۲۵	در باب جامعه‌شناسی انسان‌گرا (اندرو آپت / کاوه اکبری).

دانش میان‌رشته‌ای

۳۴۹	جامعه‌شناسی مردم‌مدار برای چه کسی؟ (اولین ناکانو گلن / نادر نصیری).
۳۵۰	مردی که شیفته‌ی جامعه‌شناسی است

- زنی که به محاق افتاد ۳۵۵
- کلام آخر ۳۷۶
- استدعای یک روزنامه‌نگار (باربارا اهرنرایش / نیما افشار) ۳۷۹

جوابیه

- میدان جامعه‌شناسی (مایکل بوراووی / بهرنگ صدیقی) ۳۹۵
- ساخت‌دادن به میدان جامعه‌شناسی، معنی دادن به بی‌نظمی ۳۹۸
- در دفاع از موج دوم جامعه‌شناسی: پیوند حرفه‌ای-سیاست‌گذار ۴۰۵
- چالش موج دوم جامعه‌شناسی: پیوند انتقادی-مردم‌مدار ۴۱۰
- پیش به سوی موج سوم: از سیاست‌گذاری انقیادآور به جامعه‌شناسی مردم‌مدار ۴۱۴
- موج سوم جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی ۴۲۱
- معرفی نویسندگان ۴۲۷

مقدمه

رابرت زاسمن^۱ و جویا میسرا^۲
ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی

گردهمایی انجمن جامعه‌شناسی آمریکا^۳ در ۲۰۰۴ از موفق‌ترین گردهمایی‌ها در تاریخ صد و چند ساله‌ی این سازمان بود. در این گردهمایی، انبوه جمعیت در سالن‌های هتل هیلتون سان فرانسیسکو گرد آمده بود تا به سخنرانی افراد سرشناسی چون پائول کروگمن^۴ اقتصاددان، آرونداتی روی^۵، رمان‌نویس هندی، و فرناندو انریکه کاردوسو^۶ جامعه‌شناس و رئیس‌جمهور سابق برزیل، گوش بسپارد. البته در این میان سخنرانی معارفه‌ی رئیس انجمن، مایکل بوراووی^۷، اهمیتی ویژه داشت. بوراووی در این سخنرانی، که ابتدا در نشریه‌ی *American Sociological Review* منتشر شد و در این کتاب هم دوباره چاپ شده است، برای احیای جامعه‌شناسی با چرخش به سمت «جامعه‌شناسی مردم‌مدار»^۸ فراخوانی پُرشور صادر کرد. مشخصه‌ی این جامعه‌شناسی بهره‌گیری از دانشی تأملی^۹ و

-
1. Robert Zussman
 2. Joya Misra
 3. American Sociological Association
 4. Paul Krugman
 5. Arundhati Roy
 6. Fernando Henrique Cardoso
 7. Michael Burawoy
 8. public sociology
 9. reflexive knowledge

فرازوی از مرز و محدوده‌های دانشگاه است. به نظر بوراووی، فقط جامعه‌شناسی مردم‌مدار است که در عین سازگاری کامل با دیگر انواع جامعه‌شناسی می‌تواند این رشته را با فراخواندن آن به مثابه «فرشته‌ی تاریخ» احیا کند که «نظم را در میان تکه‌پاره‌های مدرنیته می‌جوید و در پی بازیابی امید به پیشرفت است».

در سخنرانی معارفه‌ی رؤسای انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، انتقاد از رشته‌ی جامعه‌شناسی و جهت‌گیری‌هایش سنتی سابقه‌دار است. سخنرانی بوراووی هم کاملاً همسو با چنین سنتی است. او با انتقاد از مشخصه‌های دانش جامعه‌شناختی، خود را در مناقشه‌ای دائمی درگیر کرد که از دعوت ویلیام اگبرن^۱ در ۱۹۲۹ به جامعه‌شناسی علمی تا پرداختن لوئیس کوزر^۲ در ۱۹۷۵ به استفاده‌ی جامعه‌شناسی از روش‌های بی‌مایه استمرار داشته است. بوراووی با انتقاد از برکناری جامعه‌شناسی از حوزه‌ی عمومی، با سنتی همراه شد که هوادار فعالیت سیاسی و تعهد اجتماعی جامعه‌شناسان است و پیش‌تر آلفرد مک‌کلانگ لی^۳ در ۱۹۷۶، هربرت گانس^۴ در ۱۹۸۹ و اخیراً نیز جو فیگین^۵ در ۲۰۰۱ به روشنی از آن سخن گفته‌اند. اما سخنرانی بوراووی با این که بخشی از سنتی دیرپاست از جهاتی نیز از این سنت فاصله می‌گیرد. فراخوان بوراووی فقط دعوت به مفهوم‌پردازی جدید در تفکر جامعه‌شناختی نیست، بلکه بر اصلاح کردار^۶ جامعه‌شناختی هم دلالت دارد. سخنرانی او، علاوه بر اندیشیدن به گونه‌ای دیگر، ما را به عمل به گونه‌ای متفاوت نیز دعوت می‌کند.

انتخاب بوراووی به ریاست انجمن جامعه‌شناسی آمریکا خود محصول مناقشات شدیدی بود که در آن مقطع در رشته‌ی جامعه‌شناسی در گرفته بود. از طرفی، مناقشه‌ای تندوتیز بر سر انتصاب سردبیران جدید نشریه‌ی بانفوذ این

1. William Ogburn

2. Lewis Coser

3. Alfred McClung Lee

4. Herbert Gans

5. Joe Feagin

6. practice

رشته، *American Sociological Review* در جریان بود که خود بوراووی نقشی عمده در آن داشت. این مناقشه بسیاری را در برابر تمایل انجمن جامعه‌شناسی برای پذیرش اعضا و رویکردهای متنوع و برخی را هم در قبال ویژگی‌های معیارهای دقیق علمی و پای‌بندی به آن‌ها [در رشته‌ی جامعه‌شناسی] به شدت مردد کرد. از سویی دیگر نیز دوسوم از اعضای صاحب رأی در انجمن که هوادار انتشار بیانیه‌ای رسمی مبنی بر مخالفت با جنگ عراق بودند، از دیگر اعضا رویگردان شده بودند که چنین بیانیه‌ای را موجب سیاسی‌شدن این سازمان علمی تلقی می‌کردند و برای آن مخاطره‌آمیز می‌دانستند. در چنین وضعیتی که در درون جامعه‌شناسی نسبت به مسیری که این رشته باید در پیش گیرد تردید بود و بر سر تعهدات سیاسی‌اش اختلاف نظر وجود داشت، دعوت بوراووی به جامعه‌شناسی مردم‌مدار به کانون جدال بر سر آینده‌ی این رشته بدل شد.

بوراووی، بی‌خستگی، ایالات متحده‌ی امریکا را زیر پا گذاشت و به انگلستان و کانادا و نروژ و تایوان و لبنان و آفریقای جنوبی سفر کرد تا دیدگاه خود را درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار ترویج کند. برخی با اشتیاق بسیار و برخی با انتقادهایی تندوتیز با دیدگاه‌های وی مواجه شدند. نشریاتی چون *The British Journal of Critical Sociology*، *Social Forces*، *Social Problems* و *Sociology* و *American Sociologist* شماره‌هایی ویژه به جامعه‌شناسی مردم‌مدار اختصاص دادند. انجمن جامعه‌شناسی امریکا نیز ستونی را در خبرنگارنامه‌اش، *Footnotes*، به جامعه‌شناسی مردم‌مدار تخصیص داد^۱ و یک کارگروه ویژه و یک تارنما در این خصوص راه‌اندازی کرد. اما مناقشات فوق ادامه یافت.

در پاییز ۲۰۰۴، بوراووی برای انتشار کتابی درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار به ویراستاران مجموعه کتاب‌های *Rose Monograph Series* مراجعه کرد که

۱. این ستون از نوامبر ۲۰۰۳ به این خبرنگارنامه افزوده شد و تا دسامبر ۲۰۰۹ برقرار بود. برای مطالب این ستون ن.ک.: http://www.asanet.org/footnotes/previous_editions.cfm#2002 -م.

عبارت بودند از داگ اندرتون^۱، دان کلوسن^۲، نیومی گرستل^۳، جویا میسر، رندل استوکس^۴ و رابرت زاسمن. اما این مجموعه که تنها مجموعه‌ای است که انجمن جامعه‌شناسی امریکا رسماً منتشر می‌کند، صرفاً به تکنگاری‌هایی پژوهشی اختصاص دارد که با رویکردی سیاست‌گذار تهیه شده باشند. ما [در این گروه] پس از بحث‌های مفصل به این جمع‌بندی رسیدیم که گرچه کتاب فوق مناسبی با این مجموعه ندارد، انتشار کتابی درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار هم برای خود جامعه‌شناسی و هم ورای آن بسیار سودمند است. همین باور بود که به تأیید انجمن جامعه‌شناسی امریکا هم رسید و به این ترتیب کتاب حاضر در قالب انتشارات رسمی این انجمن منتشر شد.

جامعه‌شناسی مردم‌مدار چیست؟

به تعبیر بوراووی، جامعه‌شناسی مردم‌مدار نوعی جامعه‌شناسی است که فراتر از مرز و محدوده‌های دانشگاه با مردمان^۵ گوناگون سروکار می‌یابد و مدام با آن‌ها درباره‌ی ارزش‌های بنیادین گفت‌وگو می‌کند. جامعه‌شناسی مردم‌مدار شامل آنچه بوراووی جامعه‌شناسی مردم‌مدار «ستنی»^۶ می‌خواند نیز هست؛ نوعی جامعه‌شناسی که مخاطبان آثار آن اغلب پراکنده و نامنسجم، اما بسیار گسترده‌تر از مخاطبان دانشگاهی در این رشته‌اند. این ان نوع جامعه‌شناسی است که در یادداشت‌های روزنامه‌ای و کتاب‌های پُرفروشی چون «نبوه خلق تنها»^۷ (۱۹۵۰)، اثر دیوید ریسمن^۸، و «عادات قلب»^۹ (۱۹۸۵)، اثر رابرت بلا^{۱۰} و همکارانش دیده

1. Doug Anderton

2. Don Clawson

3. Naomi Gerstel

4. Randall Stokes

5. publics

6. traditional public sociology

7. *The Lonely Crowd*

8. David Riesman

9. *Habits of the Heart*

10. Robert Bellah

می‌شود و نشریه‌ی جدید انجمن جامعه‌شناسی امریکا، *Contexts*، نیز دست‌کم قصد دارد آن را طرح کند. جامعه‌شناسی مردم‌مدار به آموزش نیز توجه دارد، به‌ویژه نوعی از آموزش که با زندگی و تجربه‌های دانش‌پذیران عجین باشد و به آنان کمک کند تا «به درکی عمیق‌تر از آن شرایط تاریخی و اجتماعی‌یی دست یابند که از آنان کسانی را می‌سازد که هستند». البته «جامعه‌شناسی مردم‌مدار ارگانیک»^۱ اهمیت بسیار بیش‌تری دارد. این نوع جامعه‌شناسی «در ارتباط تنگاتنگ با آن مردمانی است که مشاهده‌پذیرند و درهم‌تنیده و فعال و محلی‌اند». هدف این جامعه‌شناسی که با عطف توجه به جنبش‌های کارگری و جماعت‌های محلی^۲ و جماعت‌های دینی^۳ و گروه‌های حمایت از حقوق مهاجران و نظایر این‌ها محقق می‌شود، عبارت است از «آشکارسازی امر ناآشکار و عمومی کردنِ امر خصوصی».

بوراووی جامعه‌شناسی مردم‌مدار را جایگزینِ دیگر انواع جامعه‌شناسی نمی‌داند، بلکه پیشنهاد می‌کند با نوعی تقسیم کار در این رشته به این جامعه‌شناسی نیز در کنار جامعه‌شناسی‌های حرفه‌ای^۴ و انتقادی^۵ و سیاست‌گذار^۶ جایی اختصاص یابد. او اذعان دارد که جامعه‌شناسی حرفه‌ای بخشی جداناپذیر از دیگر جامعه‌شناسی‌هاست که «روش‌های صحیح و آزموده، انبانی از دانش، پرسش‌های هدف‌مند و چارچوب‌های مفهومی» [برای جامعه‌شناسی] فراهم می‌آورد. در مقابل، جامعه‌شناسی انتقادی را نیز «وجدان بیدار جامعه‌شناسی حرفه‌ای» می‌داند که همواره بنیادهای هنجاری و توصیفی برنامه‌های پژوهشی حرفه‌ای را به پرسش می‌گیرد. در جامعه‌شناسی انتقادی، تأکید بر آن است که جامعه‌شناسی به‌جای افتادن در دام وسواس‌های «تکنیکی و تخصصی» به

-
1. organic public sociology
 2. neighborhood associations
 3. communities of faith
 4. professional sociology
 5. critical sociology
 6. policy sociology

«مسائل ضروری فرهنگی و نهادی زمانه» پردازد. اما این نوع جامعه‌شناسی با تعبیری که بوراووی از آن به دست می‌دهد، خصلت آکادمیک سرسختی نیز دارد و به جای توجه به فهم متعارف^۱ و تجربه‌های واقعی مخاطبان ادعایی‌اش، دل‌مشغول برنامه‌های پژوهشی انتزاعی است. در این میان، جامعه‌شناسی سیاست‌گذار برخلاف جامعه‌شناسی‌های حرفه‌ای و انتقادی، روی سخنش با مخاطبان برون‌دانشگاهی است. اما از نظر بوراووی، این نوع جامعه‌شناسی «در خدمت اهدافی است که کارفرمایان تعیین می‌کنند» و برای مسائلی که در جایی دیگر [بیرون از جامعه‌شناسی] طرح می‌شوند راه‌حل می‌یابد یا به‌ویژه در صورت‌های بیمارگونه‌ی آن به «راه‌حل‌های موجود» مشروعیت می‌بخشد.

اما جامعه‌شناسی مردم‌مدار متفاوت با این‌هاست و برخلاف جامعه‌شناسی‌های حرفه‌ای و سیاست‌گذار، «تأملی» است نه «ابزاری»؛^۲ بنابراین به جای مباحث تکنیکی، دل‌مشغول ارزش‌ها و نیت‌هاست. جامعه‌شناسی مردم‌مدار برخلاف جامعه‌شناسی‌های حرفه‌ای و انتقادی، به مردمانی توجه دارد که بیرون از دانشگاه‌اند و حتا به شکل‌گیری آن‌ها نیز کمک می‌کند. درحالی‌که رشته‌ی اقتصاد به بازارها می‌پردازد (و بوراووی معتقد است دغدغه‌اش توسعه‌ی آن است) و رشته‌ی سیاست به دولت می‌پردازد (و از نظر بوراووی دغدغه‌اش ثبات آن است)، جامعه‌شناسی مردم‌مدار با جامعه‌ی مدنی پیوند دارد که در آن خیل عظیمی از انجمن‌ها و جنبش‌ها در تقابل با دولت و اقتصاد حضور دارند. بوراووی در این باره معتقد است جامعه‌شناسی و به‌ویژه جامعه‌شناسی مردم‌مدار مبین «منافع بشری است؛ منافعی که در گرو عقب‌راندن استبداد دولت و جباریت بازار^۳ است».

لحن بوراووی روشن، مؤدبانه و مسالمت‌جو است. او سخت معتقد است که چهار نوع جامعه‌شناسی که از آن‌ها سخن می‌گوید نه تنها متعارض نیستند که

1. common sense

2. instrumental

3. market tyranny

مکمل و حتا هم افزایند.^۱ او هم چنین جامعه‌شناسی مردم‌مدار را «فاقد هرگونه هنجار ذاتی» می‌داند تا آن حد که «می‌تواند در عین دفاع از چیزی چون بنیادگرایی مسیحی^۲ نوعی جامعه‌شناسی رهایی‌بخش^۳... هم باشد». باین وصف، خواسته‌ی بوراووی در اصل متین و عمیقاً آزادمنشانه به نظر می‌رسد؛ این که جامعه‌شناسی مردم‌مدار در جدول نمادین چهارگانه‌ی مشتمل بر جامعه‌شناسی‌های گوناگون جا یابد. لین اسمیت-لوین^۴ در مقاله‌ی به شدت انتقادی‌اش در این کتاب اشاره می‌کند که وقتی اولین بار مطالب بوراووی را درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار شنیده، هیچ مخالفتی با پیام ساده‌اش نداشته است: «این که هر چهارگونه‌ی فعالیت جامعه‌شناختی با یک دیگر پیوند دارند، یک دیگر را متقابلاً تقویت می‌کنند و وابستگی متقابل دارند... چه کسی ممکن است مخالف این حرف‌ها باشد؟». اما دوباره که نظرات بوراووی را مرور می‌کنی وضع خیلی تفاوت می‌کند؛ چنان که برای اسمیت-لوین هم چنین بوده است.

به نظر می‌رسد می‌توانیم بحث بوراووی را درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار در دو سطح مفهومی و عملی دنبال کنیم. در سطح مفهومی، بحث بوراووی مبتنی بر تمایزگذاری‌های گوناگون است؛ یکی تمایز میان مخاطب‌های متفاوت، دیگری میان دانش‌های گوناگون و نیز تمایزگذاری در فضای فکری جامعه‌شناسی. این فضای فکری خود مبتنی بر تمایز دیگری است که وی میان دولت و اقتصاد و جامعه‌ی مدنی قائل می‌شود. با این که به نظر می‌رسد تندترین منتقدان بوراووی هم تمایزگذاری او را بین مخاطبان دانشگاهی و برون دانشگاهی می‌پذیرند، تمایزی که او بین دانش «تأملی» و «ابزاری» قائل شده است و نیز تلاشی که برای دفاع از جامعه‌شناسی به منزله‌ی یک رشته دانشگاهی متمایز می‌کند با انتقادهای بسیاری مواجه شده است.

1. synergistic

2. Christian fundamentalism

3. liberation sociology

4. Lynn Smith-Lovin

مقاله‌ی بوراووی با همه پیچیدگی نظری‌اش، هم به سطح عملی می‌پردازد هم به سطح نظری و البته در سطح استلزامات عملی با انتقادهای شدیدتری مواجه شده است. به فرض هم که قصد بوراووی صرفاً این باشد که در جدول سایر جامعه‌شناسی‌های موجود جایگاهی هم به جامعه‌شناسی مردم‌مدار اختصاص یابد، منتقدان وی چنین کاری را به هیچ وجه ساده نمی‌دانند؛ به تعبیری، وقتی مهمانان همه‌ی صندلی‌ها را اشغال کرده‌اند ورود مهمانی ناخوانده ضیافتی را که در حال برگزاری بوده به کل به هم می‌ریزد. از این رو، از لحاظ عملی خواسته‌ی متین و مؤدبانه‌ی بوراووی در اصل خواسته‌ای انقلابی از کار درمی‌آید. موافقان و مخالفان تأیید می‌کنند که تحقق خواسته‌ی بوراووی برای جامعه‌شناسی مردم‌مدار مستلزم بازسازی و تأمل جدی در اموری است هم چون رابطه‌ی جامعه‌شناسان با دانشگاه، با دیگر رشته‌های دانشگاهی، در شیوه‌های آموزش دانشجویان تحصیلات تکمیلی، شیوه‌های ارتقا و پاداش‌دهی به جامعه‌شناسان دانشگاهی و به‌ویژه در شیوه‌ی عملکرد جامعه‌شناسان در عرصه‌ی سیاست و این همه خواسته‌ی کمی نیست.

نهادینه کردن جامعه‌شناسی مردم‌مدار

بوراووی جز این که انواع متفاوت جامعه‌شناسی مردم‌مدار را مشخص کرده است، به روشنی به ما نمی‌گوید که این گونه از جامعه‌شناسی مشتمل بر چیست. این مبهم‌گویی که عمدی به نظر می‌رسد مبین سنت‌های اتوپایی دیرپایی است که تخیل پروری راناگزیر می‌سازند. اما دیگران در این خصوص به مراتب صریح‌تر سخن گفته‌اند. برخی به روشنی از جامعه‌شناسان خواسته‌اند که بهتر بنویسند — درخواستی که به نظر اندک مناقشه‌ای هم به دنبال نداشته باشد. برخی جامعه‌شناسان نیز با تشریح تلاش‌های خود در برگزاری برنامه‌های آموزشی گوناگون، برای پیوند دادن آموزش جامعه‌شناسی با فعالیت‌های جماعتی^۱ توصیه‌نامه‌هایی در خصوص

یادگیری حین عمل^۱ تدارک دیده‌اند.^۲ این توصیه‌نامه‌ها هم بعید است مناقشه‌ای برانگیزند. مادامی که جامعه‌شناسی مردم‌مدار، چه در قالب یادگیری حین عمل و چه در نهادهای کوچک، از کانون شناخته‌شده‌ی رشته‌ی جامعه‌شناسی جدا افتاده باشد، کم‌تر کسی به تلاش‌های اندک‌افراد متهور توجه می‌کند که در تلاش‌اند درست‌وحسابی کار کنند.

اما آیا می‌توان حوزه‌ای چون جامعه‌شناسی مردم‌مدار را به دوره‌ای آموزشی یا در یک نهاد محدود کرد؟ آلن تورن^۳ در مقاله‌اش در این کتاب، با توجه به رویکرد یک جامعه‌شناس فرانسوی، کاملاً خلاف این بحث را بیان می‌کند. از نظر او، جامعه‌شناسی مردم‌مدار برای جامعه‌شناسی به‌هیچ‌وجه فعالیت حاشیه‌ای نیست، بلکه در رشته‌ی جامعه‌شناسی برای احیای نظری و عملی‌عاملیت^۴ اهمیتی محوری دارد. شارون هیز^۵ و جودیت استیسی^۶ نیز از منظر متفاوت جامعه‌شناسی آمریکایی معتقدند جامعه‌شناسی مردم‌مدار اگر جدی گرفته شود، نمی‌تواند در حاشیه بماند و جدا افتد. از نظر ایشان، جدی‌گرفتن جامعه‌شناسی مردم‌مدار مستلزم اصلاحاتی گسترده در شیوه‌های همه‌ی ما جامعه‌شناسان در تدریس و کردار اجتماعی است. اما پاتریشیا هیل کالینز^۷ با وجود هواداری از برنامه‌ی کاری جامعه‌شناسی مردم‌مدار، نگران است که مبدا نهادینه‌کردن جامعه‌شناسی مردم‌مدار در رشته‌ی جامعه‌شناسی برعکس آنچه تصور می‌شود عملکرد مؤثر آن را دشوارتر کند.

آلن تورن از منظر فردی غربیه در جامعه‌شناسی آمریکا با جامعه‌شناسی مردم‌مدار مواجه می‌شود، اما با این حال کلیت بحث بوراووی را در این خصوص

1. service learning

۲. در این خصوص به‌ویژه ن.ک.: مقالات ویلیام گامسن، شارلوت رایان و چارلز دربر در ۲۰۰۴ در شماره‌ی ویژه‌ی نشریه‌ی *Social Problems* درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار.

3. Alain Touraine

4. agency

5. Sharon Hays

6. Judith Stacey

7. Patricia Hill Collins

می‌پذیرد. از نظر تورن، وظیفه‌ی اصلی جامعه‌شناسی مردم‌مدار عبارت است از مطالعه‌ی «کنشگرانی که می‌کوشند اقتصاد جهانی را با فرهنگ‌های خاص پیوند دهند». از این رو، تورن معتقد است جامعه‌شناسی مردم‌مدار به سبب پژوهش‌هایش درباره‌ی کنشگران جایگاهی محوری در جامعه‌شناسی دارد. به عقیده‌ی وی، جامعه‌شناسی مردم‌مدار به واقع جامعه‌شناسی حرفه‌ای را از نو صورت‌بندی می‌کند و آن را نه در چارچوب نظام اجتماعی، بلکه برای دفاع از «افراد و گروه‌ها در برابر نیروهای سلطه‌گر» به سمت مطالعه‌ی نهادها سوق می‌دهد. در عین حال، تورن نشان می‌دهد که چطور هر پژوهشی «هم با تاریخ‌های ملی و فرهنگی و سیاسی ارتباطی وثیق دارد هم با تقسیم کار فکری که در ترسیم تصویر جامعه‌شناسی و نیز تعیین مرزهای آن با علوم اجتماعی هم‌جوارش تأثیرگذار است». در ضمن، تأکید دارد که با جامعه‌شناسی مردم‌مدار باید بتوانیم به درستی «به مردمان دیگر جوامع نیز بپردازیم». او با ردگیری زمان و مکانی که انواع گوناگون جامعه‌شناسی در آن‌ها اوج و فرود یافته است، تأکیدی را که در حال حاضر امریکایی‌ها بر جامعه‌شناسی مردم‌مدار دارند زمینه‌یابی می‌کند (بحثی که بوراووی نیز خود در جوابیه‌اش در آخرین مقاله‌ی این کتاب به آن پرداخته است). در حالی که تورن از منظر یک فرانسوی جامعه‌شناسی مردم‌مدار را امری تحقق‌یافته می‌داند، شارون هیز که منظری امریکایی دارد در این خصوص تردید دارد. آن‌چه هیز را نگران می‌کند مشخصاً این است که مبدا «سلسله‌مراتب موجود در رشته‌ی جامعه‌شناسی را بپذیریم و صرفاً در صدد باشیم جامعه‌شناسی مردم‌مدار را در میانه‌ی آن جا دهیم». از نظر او در این صورت کمک چندانی به رفع تعارض‌ها و نابرابری‌های موجود در رشته‌ی جامعه‌شناسی نخواهد شد و صرفاً راه‌هایی گشوده می‌شود برای «منفک‌کردن» جامعه‌شناسی مردم‌مدار در رشته‌ی جامعه‌شناسی و بنابراین بازتولید جایگاه فرودست آن». شارون هیز در

اظهار خوش بینی در باب امکان تحقق جامعه‌شناسی مردم‌مدار احتیاط می‌کند. او معتقد است بسیاری از ما، در جایگاه مدرس، دست کم با یکی از انواع جامعه‌شناسی مردم‌مدار سروکار داریم. همین‌طور در نظر وی، خودمختاری قابل ملاحظه‌ای که با بیش‌تر مشاغل دانشگاهی ملازم است مجال بسیاری را برای حضور [ما جامعه‌شناسان] در عرصه‌ی عمل فراهم می‌آورد.

اما از نظر او، [تحقق] آن نوع جامعه‌شناسی که به‌واقع متضمن جامعه‌شناسی مردم‌مدار باشد مستلزم «تغییر تکیه‌گاه» جامعه‌شناسی است. به‌ویژه لازم است دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها شیوه‌ای از تدریس را ترغیب کنند که با پرسش‌های اخلاقی و سیاسی عجین باشد. باید بپذیرند که جامعه‌شناسی مردم‌مدار نه یک فعالیت «فوق برنامه»، بلکه بخشی بنیادی از کار ماست که به اندازه‌ی تدریس و پژوهش و انتشار آثار اهمیت دارد. حتا دشوارتر این‌که شارون هیز معتقد است جامعه‌شناسان باید دیدگاه‌شان را درخصوص چیستی فعالیت فکری، به‌معنای جدی آن، وسعت بخشند. از نظر وی، جامعه‌شناسان نباید گمان کنند مقالات عمیق و بصیرت‌دهنده‌ای که مردمان وسیع‌تری را خطاب قرار می‌دهد یا گزارش‌هایی از این دست که برای جماعت‌ها^۱ نوشته می‌شود، چون قابل فهم‌اند از دقت و جدیت کم‌تری برخوردارند که البته همین هم خواسته‌ی کمی نیست. اما جودیت استیسی از این هم صریح‌تر است. او برای «سیاست‌گذاری‌ها و اقداماتی در زمینه‌ی پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی و برنامه‌های درسی آنان» مجموعه‌ای از پیشنهادها^۲ «نه‌چندان معمول» طرح می‌کند؛ پیشنهادهایی درخصوص ساختارهای استخدام، تدریس، ارزیابی و تشویق در دانشکده‌ها و هم‌چنین طرز بیان و فرهنگ نوشتاری و گفتاری در جامعه‌شناسی. او می‌پرسد اگر ما چنان‌که بوراووی می‌خواهد به‌واقع بکوشیم جامعه‌شناسی را به رشته‌ای جهانی بدل کنیم (ن.ک.: ترنهم در مقاله‌ی «در باب جامعه‌شناسی مردم‌مدار» از

بوراووی در همین کتاب) و مجالی برای جامعه‌شناسان فراهم کنیم تا سودهای ناکام‌مانده‌شان را درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار تحقق بخشند، دانشکده‌های ما چه شکل و شمایلی می‌یابند؟

پیشنادهای استیسی برای دگرگون‌کردن تقسیم کار جهانی موجود در کار جامعه‌شناختی بسیار ساده‌اند: برقراری رابطه‌ی «خواهرخواندگی» بین دانشکده‌های جامعه‌شناسی در امریکا و دیگر کشورها؛ ایجاد موقعیت‌های شغلی ثابت برای انتخاب استادان مدعو از دیگر کشورها، به‌ویژه از کشورهای جنوب؛^۱ گسترش تبعیض مثبت^۲ برای پذیرش دانشجویان بین‌المللی به‌ویژه از کشورهای جنوب در مقاطع تحصیلات تکمیلی؛ و الزام دانشجویان تحصیلات تکمیلی نه‌فقط به تسلط بر یک زبان دوم، بلکه به همکاری در دست‌کم یک پروژه‌ی تحقیقاتی با ابعاد بین‌المللی. گرچه پیشنادهای استیسی ساده به‌نظر می‌رسند، به‌راحتی می‌توان حدس زد که رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و حتا اعضای هیئت علمی آن‌ها را به تمسخر می‌گیرند و بر غیرعملی بودن‌شان تأکید می‌کنند. شاید طرح و برنامه‌های استیسی برای بین‌المللی کردن جامعه‌شناسی بجا باشد، اما پیشنادهای او برای دگرگون‌کردن [نظام] تحصیلات تکمیلی به‌گفته‌ی خودش، در حد «مأموریتی تشویش‌زا و پادفرهنگ هم در درون رشته‌ی جامعه‌شناسی هم و رای آن» است. او که نگران است مبادا درخصوص بازدهی علمی الگویی شبیه به «خط تولید چارلی چاپلینی [در فیلم عصر جدید]» بر معیارهای استخدام و ارتقا در دانشگاه‌ها غلبه یابد، هسته‌ی اصلی رشته‌ی جامعه‌شناسی را هدف انتقاد خود می‌گیرد و چنین پیشنهاد می‌کند: اعلان یک «وقفه‌ی نویتی» در انتشار مطالب دانشگاهی که اعضای هیئت علمی تمام‌وقت را یک سال در هر سه سال از انتشار آثارشان منع کند؛ تغییر در معیارهای انتصاب در سمت استادی دائم و ارتقا به‌نحوی که «کاملاً در تقابل با معیارهای بازدهی در خط تولید [چارلی

1. Global South

۲. affirmative action، سیاست‌هایی برای جبران بی‌عدالتی‌هایی که به اقلیت‌ها روا داشته می‌شود. -م.

چاپلینی] باشد؛ و تبدیل بی‌پروای نشریات جامعه‌شناسی به نشریاتی «به‌معنای واقعی کلمه ژورنالیستی». پیشنهادهای استیسی حتا اگر به طنز هم تعبیر شوند (و ما به‌واقع شک داریم که او چندان هم جدی باشد)، جامعه‌شناسی مردم‌مدار را محور چیزی در حد یک انقلاب در نحوه‌ی اشتغال به جامعه‌شناسی و معیارهای تشویق [اعضای هیئت علمی] در این رشته قرار می‌دهد. با این وصف، با همه‌ی احتیاط‌هایی که خود بوراووی به خرج می‌دهد چندان عجیب نیست که تصور جامعه‌شناسی مردم‌مدار برخی جامعه‌شناسان را چنین هیجان‌زده کند.

پاتریشا هیل کالینز بی‌پروا خود را دست‌اندرکار جامعه‌شناسی مردم‌مدار معرفی می‌کند؛ کسی که خیلی پیش از نام‌گذاری و طبقه‌بندی مقوله‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار و حتا خیلی پیش از آن‌که جامعه‌شناس شود به آن مشغول بوده است. او متذکر می‌شود که «کسانی بیش‌تر سراغ جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌روند که تجربیات‌شان دیدی متفاوت از نابرابری اجتماعی به آنان داده است». او با این‌که تردیدی ندارد جامعه‌شناسان باید اشتغال به جامعه‌شناسی مردم‌مدار را ادامه دهند، هم‌چون شارون هیز نگران است که با نهادینه‌شدن جامعه‌شناسی مردم‌مدار «نوعی جداسازی در حیطه‌ی جامعه‌شناسی میدان گیرد، در وهله‌ی نخست به این علت که کسانی که به جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌گروند ممکن است در خود رشته‌ی جامعه‌شناسی در موقعیتی فرودست قرار گیرند». به‌ویژه در این دوره و زمانه که هرچیز با «مردم» مرتبط است با جدیت تمام دستخوش خصوصی‌سازی است، نام‌گذاری جامعه‌شناسی مردم‌مدار چه‌بسا جز «نوعی فرودستی دائمی و آشکار» و داغی بر پیشانی نصیب دیگری برای جامعه‌شناسی نداشته باشد. از نظر کالینز، «نام‌گذاری جامعه‌شناسی مردم‌مدار و در نتیجه موجه‌ساختن بحث درباره‌ی ویژگی‌های تمایزبخش آن»، می‌تواند موجب شود که «عمل به نوعی جامعه‌شناسی مردم‌مدار بی‌نام و بازیگوش و در نتیجه ناهل» به تدریج جایش را به «بحث و جدل [صِرف] درباره‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار دهد و قابلیت‌های آن را محدود کند».